گونه‌شناسي اخلاق‌پژوهي مهدوي در كلام رضوي

مسلم محمدي

چكيده

در اين زمانة فرو ريختگي فيزيكي و فضاي تقابل و رويارويي ميان باورهاي بشري و الهي، مبنا قرار دادن ساحت‌هاي گوناگون ارزش‌هاي اخلاقي در گسترة مباحث مهدوي، به كار آمدي آموزه‌هاي اسلامي و به خصوص شيعي در اين روي آورد مي‌انجامد.

تحليل جامع وخرد ورزانه مبتني بر عقل و وحي، عرصه‌هاي معرفتي بنياديني را در اين باره برروي ارباب دانش و بينش خواهد گشود.

در اين ميان، گفته‌هاي امام رضا عليه السلام در جايگاه وحي بياني درباره مرام و رفتار اخلاقي امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف و منتظران او در فضاي عمومي جامعه ديني، حقايقي ناب را به دوستداران و باورمندان به دولت مهدوي ارائه مي‌كند.

در اين پژوهش به دور از تأويل و تحويلي‌نگري ناصواب، سعي شده است با تبييني علمي، برخي از سخنان امام رضا عليه السلام در مساله اخلاق مهدوي طرح وبررسي گردد.

عدالت محوري، ساده زيستي، تواضع، توجه به عبادت و نماز و انتظارفرج، ارزش‌هاي اخلاقي مورد بحث در پژوهش پيش رو هستند.

كليد واژه‌ها: اخلاق، امام رضا عليه السلام، امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، عدالت، انتظارفرج

طرح مساله

آنچه بيش از همه در دنياي امروز و در حيطة تبليغ فرهنگ وآموزه‌هاي مهدوي موثر و راهگشا است، بيان و ارائه عالمانه مباني اخلاقي مربوط به وجود مبارك امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف و باورمندان به دولت دادگستر او است، همان چيزي كه بدون شك، تا كنون كمترين پژوهش و تحقيق را در گستره مباحث مهدويت پژوهانه و حوزه مطالعات ديني به خود اختصاص داده است.

در اين باره ديدگاه پروفسور محمد لگنهاوسن (دانشمند مسلمان شده غربي) در مصاحبه با يكي از پايگاه‌هاي اينترنتي قابل تأمل است:

به نظر بنده ما هر وقت مي‌خواهيم مهدويت را براي غرب مطرح كنيم، خيلي بايد روي بُعد اخلاقي مهدويت اصرار و ابرام داشته باشيم و به آن‌ها نشان بدهيم كه ما براي برداشتن موانع ظهور، بايد اخلاق خودمان را اصلاح كنيم و در جايگاه پيروان امامان عليهم السلام با تقوا شويم. فكر مي‌كنم اگر ما بتوانيم اين موضوع را به خوبي تبيين كنيم، اثر زيادي داشته باشد.[2]

دليل ديگر در رويكرد اين تحقيق به اثبات اولويت و اصالت اخلاق در فرهنگ و حكومت مهدوي، آن است كه در همة جوامع آرماني و آسماني، حقوق و قانون، جاي خود را به اخلاق مي‌داده و انسان‌ها به جاي روش‌هاي قانونمند، به اخلاق روي مي‌آورند؛ زيرا اخلاق، نسبت به قانون، هم تقدّس دارد و هم از مقبوليت عمومي بيشتري برخوردار است. همان چيزي كه جوامع امروز، خلاف آن را شاهد است و هيچ گاه از طريق قانون گذاري و قضايي نتوانسته است معضلات و ناهنجاري‌هاي اجتماعي و فردي را مهار و مديريت كند؛ زيرا اخلاقي ترين حالت جامعة آرمان شهر كه گفته مي‌شود نظر افلاطون نيز چنين بوده، اين است كه مردم، قوانين را كنار گذاشته و به اخلاق روي آورند و همه با هم و برادر همديگر باشند و جنگ و جدال‌ها بر چيده شود؛ همان چيزي كه در روايات مأثور از امامان عليهم السلام در وصف حكومت الهي مهدوي به ابعاد گوناگون آن اشاره شده است. در برخي روايات به صورت مطلق و عام، به بر چيده شدن ناملايمات و فراگيري زيبايي‌ها در حكومت مصلح آخر الزمان اشاره شده است. حديث معروف و قابل تأمل امام باقر عليه السلام دربارة کمال عقلي و اخلاقي انسان‌ها در حکومت مهدوي، به زيبايي اين مسأله را تبيين كرده است:

اذا ‌‌‌قام قائمنا وضع يده علي رؤوس العباد فجمع به عقولهم و أكمل به احلامهم؛ (راوندي، 1409: ج2، ص841)[3]

يا اين که تبلور همة فضائل اخلاقي را در آن زمان خاص بايد به وضوح ديد:

الخير كلّه في ذلك الزمان يقوم قائمنا؛… (طوسي، 1411:ص437)

در چنين جامعه‌اي است كه مردم، دلبسته حاكمان خود خواهند شد و علاقه عمومي در اين باره فراهم خواهد آمد و اين، فقط در دولت‌هاي عدالت محور امكان تحقق مي‌يابد.

پيامبراکرم صلي الله عليه و آله و سلم در وصف اين رضايت عمومي در دولت مهدوي فرمود: «ساکنان آسمان و زمين از فرمانروايي او خشنودند». (عاملي، 1385: ج3، ص524)

يا در بيان ديگراشاره فرمود: ساکنان زمين و آسمان، به او عشق مي‌ورزند. (نيشابوري، بي‌تا: ج51، ص804)

از ويژگي‌هاي عصر ظهور، زنگار زدايي از دل مردم و كنار رفتن قهر و كينه‌ها است. در حديثي از امير مؤمنان عليه السلام آمده است:

اگر قائم ما قيام کند… کينه‌ها و ناراحتي‌ها از دل بندگان خدا زايل مي‌شود. (مجلسي، 1404: ج52، ص316)

در نهايت، سؤال اين تحقيق، اين است كه آيا مي‌توان به وسيلة رفتار و گفتار امام رضا عليه السلام طرحي نو درانداخت كه معيار و مبناي افعال اخلاقي همه منتظران و مهدي باوران باشد؟ به خصوص كه فرضية نگارنده، بر همين اصل استوار است كه با استقصايي كامل و با نگاهي عالمانه و انديشه ورانه، امكان ارائه ارزش‌هاي اخلاقي در كلام امام رضا عليه السلام قابل دسترسي و تحقق است.

آموزه‌هاي اخلاقي مهدوي

موضوع اخلاق و مهدويت در گونه‌ها و عناوين متعددي مانند اخلاق در حكومت مهدوي، در دو نگاه فردي و اجنماعي، اخلاق فضيلت و رذيلت انسان‌ها پيش و پس از ظهور و مباحث مشابه، قابل طرح و بررسي است. در اين راستا، بررسي اين مسأله از زاويه نگاه معصومان عليهم السلام اساسي و از اتقان و اعتبار بالايي برخوردار است. كه اين را مي‌توان آشنايي با مسلك معصوم در نگاه معصوم نام نهاد.

در اين جستار، تلاش بر اين است كه سخنان امام رضا عليه السلام كه به صورت مستقيم، اوصاف و ويژگي‌هاي امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف را بر شمرده است مورد توجه قرار گيرد؛ با اين نگاه كه يك منتظر معتقد و الگوگرا، اين فضايل را مبناي اعمال و افعال خود قرار مي‌دهد؛ به خصوص اين كه يكي از مباني اساسي اخلاق ديني، عدم گفتمان محض و تكيه بر عمل گرا بودن است.

علاوه بر اين، برخي گفتار‌ها و رفتار‌هاي اخلاقي مربوط به شخص امام رضا عليه السلام نيز نمونه‌هاي خوبي در اين مسأله براي منتظران راستين به حساب مي‌آيد؛ زيرا اخلاق الهي همه معصومان عجل الله تعالي فرجه الشريف مانند شخص پيامبر اسلام صلي الله عليه و آله و سلم موجب علاقه و جذب مردم به آن‌ها مي‌شد، تا جايي كه اخلاق نبوي در اخلاق پژوهي معاصر به عنوان معجزه دوم خاتميت نام گذاري شده است كه اين در حقيقت، وجه مشترك همه معصومان است.[4]

فرايند مباحث پيش رو چنين است كه هريك از عناوين اخلاقي كه سخني از امام رضا عليه السلام در آن مسأله خاص به دست آمده است، طرح مي‌شود و سپس دربارة آن به صورت موردپژوهانه، بحث و بررسي خواهد شد.

عدالت محوري

مهم ترين كليدواژه اخلاقي كه در حكومت مهدوي از آن ياد مي‌شود، مفهوم عدالت و داد ورزي است كه از مقومات بنيادين دولت آن حضرت به شمار مي‌آيد كه به ويژه درروايات نقل شده از معصومان عليهم السلام همواره به چنين جامعه‌اي نويد داده شده است كه آن مصلح يگانه، پس از آن كه جهان پر از ظلم وجور خواهد شد، آن را آكنده از قسط وعدل خواهد كرد. و هيچ جاي زمين باقي نماند، مگر اين كه پر از عدل و بركت و فيض او شود؛ حتي جانوران و گياهان نيز از اين عدالت و دادگستري بهره مند گردند. (مجلسي، 1404: ج10، ص104) در حكومت وي ذره‌اي بر كسي جفا و ظلم نخواهد شد و رنجي بر دلي ننشيند.

امام رضا عليه السلام در اين باره فرمود:

هرگاه آن امام خروج کند، زمين به نور پروردگارش روشن مي‌شود و ترازوي عدالت، ميان مردم برقرار مي‌گردد؛ پس کسي به کسي ستم نخواهد کرد. (مجلسي، همان: ج52، ص321)

نتيجه سخن امام رضا عليه السلام اين است كه آن حضرت، واقعيت عدل را به تمام معنا براي مردم، جلوه‌گر خواهد كرد و آنان نيز با بصيرت خود، آن را مشاهده خواهند كرد: «‌فيريكم كيف عدل السيرة»[5]

البته نكته مهم و قابل اهميت در اين است كه مراد از عدالت در دولت مهدوي چيست؟ به خصوص اين كه امروزه همه مكاتب اخلاقي مدعي عدل گرايي هستند و عملاً اين واژه به يك مشترك لفظي تبديل شده كه هر مكتبي در تلاش براي مصادره آن به نفع خويش است. به نظر نگارنده، پس از كنكاش و بررسي معاني مختلف لغوي و اصطلاحي ارائه شده در اين ميان، «حد وسط» جامع‌ترين مفهوم عدل و وجه مشترک ميان همة معاني آن بوده كه مراد از آن، اعتدال در امور است.

امام رضا عليه السلام در حديثي اهل بيت عليهم السلام را مصداق اين حد اعتدال مي‌داند:

نحن آل محمد النمط الأوسط الذي لايدركنا الغالي و لايسبقنا التالي (صدوق، 1398: ص114)

در اين بيان، تندروي و كندروي، دو طرف راه ميانه است. در واقع، حكومت الهي و آرمان شهر مهدوي، با اعمال ميانه روي در امور، رعايت مساوات و حکم به حق، زمينه ساز پيدايش اعتدال در ابعاد فكري و عملي مردم خواهد شد.[6] اين از ويژگي‌هاي انسان كامل و خاتم انبيا و پس از او خاتم اوليا است. امام خميني1 در اين باره پس از آنکه عدل را به معناي حدّ وسط ميان افراط و تفريط معنا مي‌کند، معتقداست:

عدالت در مظهريت اسما و صفات، استقامت مطلقه است. ومختص به انسان کامل است.که برترين آن حضرت خاتم است که بر حداعتدال تام است. (امام خميني، 1377: ص147)

انتظارفرج

از آن جا كه انتظار فرج، جامعه منتظر و مهدوي را به جامعه‌اي فعال و پويا تبديل مي‌كند و با ركود و تحجر در تضاد است، مهم ترين عامل رشد و شكوفايي اخلاقي برشمرده مي‌شود و همواره مورد تأكيد و توجه همة معصومان عليهم السلام بوده است. پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله و سلم و اميرالمؤمنين عليه السلام انتظار فرج را بهترين و برترين اعمال امت معرفي كرده‌اند.[7]

از اين روايت مي‌توان برداشت نمود که حضرت مهدي خود از منتظران وعده الهي ظهور بوده و چشم به فراهم شدن اسباب تحقق دولت موعود الهي دارند.

جنبه اخلاقي انتظار فرج آن است كه نوع خاصي از صبر و بردباري به عنوان يكي از برترين فضائل اخلاقي به حساب مي‌آيد. در حقيقت، انتظار فرج، هم صبر بر مصيبت است و هم صبر در عبادت. در كلامي امام رضا عليه السلام انتظار فرج را اين گونه تبيين فرموده:

ما أحسن الصبر و انتظار الفرج…. فعليكم بالصبر فإنه إنما يجيء الفرج علي اليأس…؛

علاوه بر اين كه انتظار فرج، زمينة اميد و كنار گذاشتن يأس و پوچ گرايي است كه تا امروز، مهم ترين عامل شكوفايي و درخشندگي مكتب و تفكر اهل بيت عليهم السلام بوده است.

در حقيقت، امام با اين بيان، تفاوت ميان صبر مذموم و ممدوح را به شيعيان گوشزد كرد و انتظار فرج، صبري توأم با حركت به سوي مقتدا و در نتيجه، متلبس شدن به صفات امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف معرفي شده است كه يكي از ثمرات باور به آن را مي‌توان، مقابله با ظلم و بيدادگري بر شمرد.

از اين رو مرحوم آيت الله مطهري انتظار را به دو قسم مثبت و منفي تقسيم مي‌كند و معتقد است:

درباره آسيب شناسي انتظار، بايد گفت دو نوع انتظار وجود دارد؛ انتظار ويرانگر و انتظار سازنده.

انتظار ويرانگر: برداشت قشرى از مهدويت و قيام و انقلاب مهدى، اين است كه صرفاً ماهيت انفجارى دارد، فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم‌ها و تبعيض‌ها و اختناق‌ها و حق كشي‌ها و تباهي‌ها ناشى مى شود. آن گاه كه اصلاح به نقطه صفر برسد، اين انفجار رخ مى دهد و دست غيب براى نجات حقيقت از آستين بيرون مى آيد. علي هذا هر اصلاحى محكوم است؛ زيرا هر اصلاح، يك نقطه روشن است و تا در صحنه اجتماع نقطه روشنى هست، دست غيب ظاهر نمى شود، برعكس، هر گناه، هر فساد و هر ظلم و هر تبعيض و هر حق كشى , هر پليدي به حكم اين كه مقدمه صلاح كلى است و انفجار را قريب الوقوع مى كند روا است. اين نوع انتظار فرج، به هيچ وجه با موازين اسلامى و قرآنى وفق نمى دهد.

انتظار سازنده: در انتظار سازنده، ظهور مهدى موعود، حلقه اى است از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل كه به پيروزى نهايى اهل حق منتهى مى شود. سهيم بودن يك فرد در اين سعادت، موقوف به اين است كه آن فرد، عملاً در گروه اهل حق باشد، نه اين که هنگام ظهور، همه اهل باطل باشند. (مطهري، 1361ش: ص61)

در كلام امام رضا عليه السلام از مسائلي كه در بارة امام مهدي مورد توجه خاص بوده، مسأله انتظار فرج است كه مي‌تواند براي محققان مهدويت، دست مايه تحقيقات علمي باشد. در حديثي آمده است كه آن حضرت خود هنگام شنيدن نام «قائم» از جاي برمي خاست و دست بر سر مي‌نهاد و مي‌فرمود: «خدايا! فرجش را برسان و قيامش را آسان گردان». (صافي گلپايگاني، 1419: ص506)

نتيجه آن كه انتظار فرج، زيباترين و مهم ترين ويژگي علامت دوستداران و باورمندان به امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف و دولت دادگستر او بوده است و داراي آثار تربيتي فراواني است. [8] بهترين راه اتصال به آن حضرت، اتصاف به اوصاف او و تخلق به خلق الهي حضرتش خواهد بود. عالمان شيعه نيز همواره مشوق مردم در اين باره بوده‌اند و در حقيقت اين مسأله را نشانة شيعة معتقد و حقيقي بر شمرده‌اند.

ساده زيستي

زي ساده و سازگار با توده‌هاي پايين جامعه، مهم ترين رمز ماندگاري حاكمان و دولت‌مردان در حفظ دايره حكومتي آن‌ها است. اميرالمؤمنين عليه السلام نمونه برجسته اين فضيلت اخلاقي است كه همواره از واليان خويش چنين خواسته و آن‌ها را بر عدم توجه به آن، ملامت كرده است. آن حضرت در نامه‌اي به عثمان بن حنيف انصاري، والي بصره كه در ميهماني اغنيا بدون حضور نيازمندان شركت كرده بود، بعد از آن كه مي‌فرمايد: «گمان نمي‌كردم تو در چنين مهماني شركت كني»، مي‌فرمايد:

بدان كه پيشواي شما از دنياي شما، به دو جامه فرسوده و دو قرصه نان خوردني بسنده كرده است به خدا از دنياي شما زري نيندوختم و از غنيمت‌هاي آن، ذخيره ننموده و بر جامه كهنه ام كهنه‌اي نيفزودم. (نهج البلاغه، نامه 45)

درباره همساني امام رضا عليه السلام با توده مردم آمده است كه تابستان، فرش او حصير و بوريا بود و روى آن مى‏نشست و زمستان روى نمد. پيراهنى زبر و خشن مى‏پوشيد، مگر آنكه مي‌خواست پيش مردم آيد كه در آن وقت، لباس سنگين و بهتر در بر مي‌نمود.(صدوق، 1378: ص178) يا اين كه هر وقت سفره براى ايشان مى گستردند، ظرفي نزديك آن جناب مي‌گذاشتند. از هر غذايى به قدرى برمي داشت و در آن قدح مي‌ريخت؛ سپس دستور مي‌داد آن را به فقرا بدهند. (مجلسي، بي‌تا: ص89)

همين گونه درباره حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف آمده است:

لو خرج قائمنا لم يكن الا العلق و العرق و النوم علي السروج و ما لباس القائم الا الغليظ و ما طعامه إلا الجشب؛

او جامه‌هاي خشن مي‌پوشد و نان جو مي‌خورد… (جمعي از نويسندگان، 1367: ج4، ص46) و مانند امير المؤمنين زندگي مي‌كند و قوت او نان خشك خواهد بود. (مجلسي، 1404: ص52، ص359)

يكي از عناصر اصلي شيفتگي مردم به دولت مهدوي نيز همين است كه او نيز در عين قدرت و تمكن حكومتي و دنيايي به ساده ترين زندگي بسنده مي‌كند.

شايد بتوان بين ساده زيستي امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف و اميرالمؤمنين عليه السلام تمايزي قائل شد و آن اين كه اميرالمؤمنين عليه السلام خود را موظف مي‌دانست با نيازمند ترين فرد در قلمرو حكومت اسلام در خوراك و پوشاك همانند باشد؛ اما در دولت مهدوي بنا بر روايات متعدد و متواتر كسي در فقر و فلاكت مادي به سر نمي‌برد، تا آن حضرت بخواهد در همساني با آن‌ها بكوشد؛ بلكه توجه امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف به ساده زيستي به عنوان يك اصل ثابت اخلاقي است، نه صرف همگوني با رده‌هاي پايين جامعه.

توجه به اين اصل براي دولت مردان جامعه اسلامي در دوران غيبت، مي‌تواند آن‌ها را از بسياري از آفات به دور نگهدارد. امام خميني1 خطاب به نمايندگان مجلس دربارة توجه به اين مسأله مي‌فرمايد:

اگر بخواهيد بي‌خوف و هراس، مقابل باطل بايستيد و از حق دفاع كنيد و ابرقدرتان و سلاح‌هاي پيشرفته آنان و شياطين و توطئه‌هاي آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از ميدان به در نكند، خود را به ساده زيستن عادت دهيد و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهيزيد. مردان بزرگ كه خدمت‌هاي بزرگ براي ملت‌هاي خود كرده‌اند، اكثر ساده زيست و بي‌علاقه به زخارف دنيا بوده‌اند. (امام خميني، 1385:ج18، ص471).

تواضع و فروتني

تواضع، نقطه مقابل تكبر است؛ بدين معنا كه انسان نزد خويش خود را برتر از ديگران نداند و عملاً در ارتباط با ديگران به شأني كمتر از آنچه مردم براي امثال او قائل هستند، بسنده كند. (جمعي از نويسندگان، 1389: ص227)

در آيات متعددي، خداوند متواضعان را مصداق بندگان واقعي بر شمرده (فرقان:63) و به پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم نيز خطاب مي‌كند كه براي مؤمنان بال خود را از روي فروتني بگستران. (شعراء: 215) امام صادق عليه السلام نيز مي‌فرمايد:

از مصاديق تواضع، اين است كه انسان به پايين تر ازجايگاهش راضي باشد و به ديگران سلام كند و بحث و جدل را ترك نمايد، اگر چه حق با او باشد. نيز دوست نداشته باشد كه او را به تقوا و خداترسي بستايند. (كليني، 1365: ج2، ص122).

نفس فروتني و تواضع، خلقي نيكو و پسنديده است اين صفت نيكو آن جا نُمود بيشتر و ماندگاري خواهد داشت كه يك مدير اجتماعي و حاكم جامعه، متخلق به اين صفت انساني باشد. در سخني امام رضا عليه السلام درباره اين فضيلت اخلاقي امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف مي‌فرمايد:

يكون أشد الناس تواضعا لله عز وجل؛ او برترين انسان در فروتني و كوچك نفسي در كسب رضايت خداوند است. (مجلسي، 1404: ج25، ص116)

فلسفه اين سخن امام رضا عليه السلام در برتر بودن امام مهدي در تواضع و فروتني اين است كه زمينه براي رواج ديگر ارزش‌هاي اخلاقي است؛ همان گونه كه اميرالمؤمنين عليه السلام آن را برترين فضيلت اخلاقي دانسته كه موجب گسترش ديگر فضيلت‌هاي اخلاقي مي‌شود. (آمدي، 1426: ح5142)

توجه به عبادت و نماز

در فرايند ارتباط با خدا، عبادت، رتبه و اهميت خاصي دارد، تا جايي كه «عبد» واژه مترادف انسان شده است؛ يعني مطلوب اين است كه آدمي به گونه‌اي مأنوس و مطيع خدا شده باشد كه تجسم و تجلي عبادت گردد، همان گونه كه عبادت به نهايت فروتني و طاعت تعريف شده و از سوي مقابل تنها كسي مستحق عبادت دانسته شده است كه نهايت كمال و فضيلت از او است. (راغب، 1361: واژه عبد)

و به تعبير علامه طباطبائي:

عبادت اين است که عبد، خودش را در مقام مملوکيت قرار مي‌دهد؛ به همين علت، عبادت منافي با استکبار و غير منافي با اشتراک است. (طباطبايي، 1390: ج1، ص24)

بيان استاد مطهري در اين باره چنين است:

پرستش، آن حالتى را مى گويند كه در آن، انسان يك توجهى مى كند از ناحيه باطنى خودش به آن حقيقتى كه او را آفريده است و خودش را در قبضة قدرت او مى بيند. خودش را به او نيازمند و محتاج مى بيند. در واقع سيرى است كه انسان از خلق به سوى خالق مي‌برد. (مطهري، 1374:ج1، ص292)

محور مسائل اخلاقى، خود را فراموش كردن و از خود گذشتن و از منافع خود صرف نظر كردن است. در اخلاق، يك مسأله وجود دارد كه اساس همه مسائل اخلاقى است و آن رهايى از خودى و رها كردن و ترك انانيت است. (مطهري، 1373: ص80) بر اساس جهان‌بيني قرآن، انسان فقر محض است و هر چه در جهان است، از آنِ خداوند است. (فاطر: 15)

در اين ميان، نماز در فرهنگ رفتاري و گفتاري معصومان از ارزش و اهميت برجسته و بي‌بديلي برخوردار است. در بارة شخص امام رضا عليه السلام كه معرف امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف در اين پژوهش است، نمونه‌هاي زيبا و قابل توجهي در عبادت و نماز ديده مي‌شود. دو نمونة تاريخي آن، ترك جلسه مناظره به هنگام نماز است و ديگري روايت مفصل رجاء بن ابى ضحّاك است از آنچه از امام در طول سفر از مدينه تا خراسان مشاهده كرده بود.

امام در مناظره با يكي از مادي گرا‌يان به نام عمران صابي در حضور مأمون، وقتي هنگام اذان شد، جلسه را ترك كرد. عمران گفت: «دلم در حال آمادگي پذيرش حقيقت است». امام فرمود: «نماز مي‌خوانيم و بر مي‌گرديم». (صدوق، 1378: ج1، ص182)

رجاء بن ابى ضحّاك نيز گويد:

مأمون مرا فرستاد تا امام رضا عليه السلام را از مدينه به خراسان نزد او آورم و سفارش نمود كه من شخصاً مراقب و مواظب او باشم و مرا امر كرد كه از راه بصره و اهواز و فارس حركت دهم، نه راه قم، و شبانه‏روز هم از او جدا نشوم و محافظ او باشم، تا وى را بر مأمون وارد كنم. من پيوسته با او بودم و جدا نمى‏شدم از مدينه تا مرو. به خدا قسم! احدى را نديدم كه از او متّقى‏تر نسبت به خداى تعالى باشد، يا از او بيشتر ياد خدا كرده باشد و ذكر خدا گويد؛ در همة اوقاتش، پارساتر از او باشد، …….. (صدوق، 1378: ج2، ص182)

امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف به عنوان خاتم اولياء و مصداق انسان كامل، عابدترين و عارف ترين انسان است و همانند پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم مهم ترين صفت او عبوديت و خضوع به درگاه احديت است. امام كاظم عليه السلام درباره آن حضرت مي‌فرمايد:

پدرم فداي كسي باد كه شب‌ها در حال سجده و ركوع، ستارگان را شباني مي‌كند. (سيد بن طاووس، 1377: ص200)

امام رضا عليه السلام وقتي علائم امام را بيان مي‌كند مي‌فرمايد:

او بايد باتقواترين، بردبارترين و عابدترين انسان‌ها باشد و آنچه به مردم امر و نهي مي‌كند، خود بايد بيش از همه عامل و تارك آن‌ها باشد. (صدوق، 1378: ص192)

نكته قابل توجه در دوران غيبت امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف آن است كه يكي از بهترين راه‌هاي ارتباط با امام زمان، خواندن نماز مخصوص آن حضرت است كه آيت الله جوادي آملي برداشت لطيفي از اين نماز ارائه مي‌دهد:

در اين نماز، جمله توحيد كه واسطة العقد و بيت الغزل سوره مباركه فاتحه الكتاب است «اياك نعبد و اياك نستعين» صدبار تكرار مي‌شود كه گوياي سري عميق است. نماز گزاري كه صد بار توحيد تلقي مي‌كند و آن را به گونه‌اي كه «اياك» را كه مفعول است بر «نعبد» و «نستعين» مقدم دارد، به قلب خويش تلقين سازد به توحيد ناب بار مي‌يابد… آن گاه به چنين كسي دستور مي‌دهند دعاي بعد از نماز را بخواند و عارفانه بگويد «يا محمد ياعلي، ياعلي يا محمد اكفياني فانكما كافيان» اين دستور در پي توحيد مي‌آموزاند كه اول هر امر مهم، باور و عمل بر اساس توحيد است و سپس در جهت توحيد، توسل به وسائل و توسط به وسائط. (جوادي آملي، 1378: ص101)

نتيجه

در اين تحقيق به دست آمد كه بررسي مسأله اخلاق در گستره مهدويت پژوهي در ارائه منطقي و عالمانه ترويج فضائل اخلاقي و نفي رذائل در دولت آرمان شهر آن امام موعود ضرورت و اهميتي فراوان دارد.

از روايات ماثور از امام رضا عليه السلام درباره ويژگي‌هاي اخلاقي و معنوي حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف و آنچه در رويكردهاي اجتماعي حكومت آن حضرت پديد مي‌آيد، امكان ارائه نظام مند ارزش‌هاي اخلاقي مهدوي قابل دسترسي وتحقق است.

عدالت محوري، ساده زيستي، تواضع و انتظار فرج، از اصول اخلاقي است كه هم در سيرت اخلاقي شخص امام مهدي در كلام رضوي آمده است و هم وظيفه منتظران را در عصر غيبت تعيين مي‌كند.

خلاصه تحليل در اصول ارزشي فوق چنين بود: انتظار فرج به عنوان صبر خاص و ممدوح؛ عدالت، بنيادي ترين اصل در حكومت‌هاي الهي؛ ساده زيستي و تواضع، تاثيرگذارترين اصول جذب مردم به حاكميت دادگستر و در نهايت توجه ويژه به عبادت و نماز به عنوان تنها راه اتصال و قرب به خداوند متعال مورد كنكاش و بررسي قرار گرفت.

فهرست منابع

قرآن كريم

نهج البلاغه

1. آمدي تميمي، عبد الواحد، غرر الحكم و درر الكلم، تهران، دارالكتاب الاسلامي، 1426ق.

2. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابي طالب، ج4، قم، مكتبه علامه، بي‌تا.

3. امام خميني، روح الله، صحيفه امام، ج 18، ، تهران، موسسه تنظيم ونشر آثار امام خميني، 1385.

4. ــــــــــــــــــــ ، شرح حديث جنود عقل وجهل، تهران، موسسه تنظيم ونشر آثار امام خميني، سوم 1377ش.

5. جمعي از نويسندگان، معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، قم، 1376ش.

6. ــــــــــــــــــــ ، اخلاق اسلامي، مباني و مفاهيم، قم، معارف، 1389ش.

7. جوادي آملي، عبد الله، امام مهدي، موجود موعود، قم، اسراء، 1387ش.

8. حكيمي، محمد رضا، خورشيد مغرب، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، بيست و يكم، 1380ش.

9. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه و تحقيق سيد غلامرضا خسروي، تهران، مرتضوي، 1361ش.

10. راوندي، قطب الدين، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدي، 1409 ق.

11. سيد بن طاووس، ابوالقاسم علي بن موسي، فلاح السائل و نجاح المسايل، قم، دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، 1377ش.

12. شيخ طوسى‏، كتاب الغيبة للحجة، قم‏، مؤسسه معارف اسلامى، 1411ق.

13. شيخ صدوق، محمد بن علي، عيون أخبار الرضا عليه السلام، تهران، جهان، 1378 ق.

14. ـــــــــــ، کمال الدين و تمام النعمه، قم، دارالكتب الاسلاميه، 1395 ق.

15. ـــــــــــ، التوحيد، قم، دفتر انتشارات اسلامي، 1398ق

16. صافي گلپايگاني، لطف الله، منتخب الاثر، قم، مؤسسة السيدة المعصومة، 1419ق.

17. طباطبايي، سيد محمد حسين، الميزان، قم، اسماعيليان، دوم، 1390 ق.

18. عاملي، محمد بن حسن حر، اثبات الهداه، تهران، دار الکتب الاسلاميه، 1385ش.

19. عسكري، نجم الدين جعفر بن محمد، المهدي الموعود المنتظر، تهران، بنياد بعثت، 1360ش.

20. عياشي، محمد بن مسعود، تفسير عياشي، تهران، مؤسسه بعثت، 1421ق.

21. قراملكي، احد و مظهر قراملكي، علي، معجزه انگاري اخلاق نبوي، مجله «انديشه نوين ديني»، شماره 11، 1386ش.

22. کليني، محمد بن يعقوب، الاصول من الکافي، تهران، دارالکتب الاسلاميه، 1365ش.

23. مجلسي، محمدباقر، بحارالانوار، بيروت، موسسه الوفاء، 1404ق.

24. ـــــــــــــــــ ، زندگانى حضرت امام رضا عليه السلام، ترجمه موسى خسروى، تهران، اسلاميه، بي‌تا‏.

25. محمدي، مسلم، واكاوي مورد پژوهانه اكمال اخلاقي و عدالت طلبي در عصر ظهور، مجله «مشرق موعود»، ش 14، تابستان 1389ش.

26. مطهري، مرتضي، قيام و انقلاب مهدي، قم، نشر اسلامي، 1361ش.

27. ـــــــــــــــ، گفتارهاي معنوي، تهران، صدرا، 1373ش.

28. ـــــــــــــــ، اسلام و مقتضيات زمان ج 1 و2، تهران، صدرا، 1374ش.

29. نعماني، ابي عبد الله محمد بن ابراهيم، الغيبه، تهران، مکتبة الصدوق، 1397ق.

30. نيشابوري، مسلم بن الحجاج، صحيح، مصر، بي تا، بي نا.

31. پايگاه اطلاع رساني حوزه www.hawzah.net.

â. استاد يار دانشگاه تهران (پرديس قم).

[2]. پايگاه اطلاع رساني حوزه www.hawzah.net.

[3]. در اين باره رجوع شود، به مقاله واكاوي مورد پژوهانه اكمال اخلاقي و عدالت طلبي در عصر ظهور، اثر نگارنده، مجله مشرق موعود، ش 14.

[4]. ر. ك: قراملكي، معجزه انگاري اخلاق نبوي، مجله انديشه نوين ديني، شماره 11.

[5]. ر.ك: نهج البلاغة، خطبه، 138.

[6]. در اين باره رجوع شود، به مقاله واكاوي مورد پژوهانه اكمال اخلاقي و عدالت طلبي در عصر ظهور، اثر نگارنده، مجله مشرق موعود، ش 14.

[7]. ر. ك: صافي گلپايگاني، منتخب الاثر، ص 626- 634.

[8]. در اين باره ر.ك: خورشيد مغرب (ص258-334) اثر محمدرضا حكيمي كه به تفصيل، فوايد و آثار انتظار و فلسفه‌هاي اخلاقي و اعتقادي آن طرح و بررسي شده است.